

## کتابخانه ربع رشیدی

مرتضی محمدنیا

به توطئه علیه وی دست زد و به مناظره و مباحثه با او پرداخت و سرانجام با روشن شدن توطئه و اتهام علیه رشیدالدین به دستور پادشاه به قتل رسید و غازان خان وزارت را به رشیدالدین فضل الله و سعدالدین ساوجی سپرد. رشیدالدین و سعدالدین همچنان با هم متحد بودند تا اینکه سعدالدین به علم و فضل رشیدالدین حسادت کرد و سرانجام او که شیعه بود به قتل رسید.

الجایتو به جای او تاج الدین علیشاه را گماشت. او فردی زیرک و باهوش بود و هیچ گاه خود را طالب مال دنیا نشان نمی داد و بناهای بسیاری ساخت؛ از جمله بازارهای عالی در سلطانیه و با کارمندان و صنعتگرانی که از بغداد آورده بود احداث کرد و کارخانه نساجی بنام «کارخانه فردوس» و مسجدی بزرگ و عالی در تبریز ساخت که هنوز بقایای آن برجای مانده است. او تنها وزیر دربار ایلخانی بود که با مرگ طبیعی از دنیا رفت. پس از مدتی میان رشیدالدین و علیشاه اختلاف افتاد و این اختلاف پس از مرگ الجایتو و جانشینی فرزندش ابوسعید بهادرخان ادامه یافت. سرانجام رشیدالدین با توطئه و تحریک علیشاه از وزارت خلع شد و به تبریز رفت و بعد به اتهام قتل الجایتو، او و فرزند ارشدش خواجه ابراهیم به دستور ایلخان ابوسعید در خشکدر، نزدیک تبریز به قتل رسیدند. رشیدالدین مدت بیست و یک سال وزارت کشور پهناور ایلخان را برعهده داشت.

غازان خان تنها ایلخان مغول است که با رفتار و کردارش نشان داد افراد هر قومی با انرار گرفتن در جریان فرهنگ و تمدن می توانند از این چشمه فیاض بهره مند شوند. او شایستگی خود را نشان داد. از جمله کارهای غازان خان، ساختن تأسیسات

رشیدالدین فضل الله بن ابوالخیرین عالی در سال ۶۴۸ق/ ۶۳۹ش. در همدان زاده شد، پدرش عمادالدوله ابوالخیر همدانی پزشک بود و او نیز این علم را فراگرفت. جد او با خواجه نصیر طوسی در دژ اسماعیلیان واقع در قهستان به سر می برد و پس از فتح آنجا به دست هلاکو به خدمت مغول درآمد.

رشیدالدین جوانی را در همدان به تحصیل دانش و علم طب گذرانید و با سمت پزشک به دستگاه اباقان راه یافت و بعد به وزارت غازان خان ایلخان آبادگر مغول پیوست. خود او در کتاب «بیان الحقایق» گفته است در سال ۷۱۰ق شصت و دو سال دارد. طبابت نیز شغل خانوادگی آنان بود. رشیدالدین در عهد اباقان (۶۶۳-۶۸۰ق) توجه پادشاه را برانگیخت و در شمار معتبران حکمای زمان درآمد. مرتبه او در عهد ارغون خان (۶۸۳-۶۹۰ق) ترقی یافت تا آنجا که بزرگان و امرای دیوان در امور مملکتی با وی مشورت می کردند. در زمان گیخاتو خان (۶۹۰-۶۹۴ق) به رتبه ندیمی و طبیبی پادشاه رسید و در زمان غازان خان به کارهای خطیر پرداخت و ملازم پادشاه و مباشر امور بعضی ولایات بود. خواجه صدرالدین احمد خالدی که وزیر بود به مخالفت و دشمنی با او برخاست و

خواجه از همنشینی با دانشمندان و عالمان معاصر خود نیز بهره می برد مانند جمال الدین مطهر حلی مشهور به علامه حلی از علمای بزرگ اسلام، شیخ صفی الدین اردبیلی، شیخ رکن الدین علاء الدوله سمنانی، قطب الدین شیرازی، ابوسلیمان داودبناکتی و شیخ عبدالرحمن خراسانی.

رشیدالدین صاحب تألیفات بسیاری است. در مقدمه کتاب مدون لطائف الحقایق فهرست مجموعه آثار رشیدالدین آمده است. آن فهرست بنا بر تحقیق و آنچه که تاکنون به دست آمده، فهرستی جامع و درست است. براساس آن، تألیفات خواجه شامل دو قسم زیر است:

۱. فهرست کتاب های علوم عملی از شریعت و حکمیات و معارف؛

۲. فهرست کتاب های تاریخی و حکایات و صور الاقالیم.

قسم اول شامل کتاب های ذیل است:

۱. توضیحات، مشتمل بر دیباچه و نوزده رساله؛

۲. مفتاح التفاسیر، در هشت رساله و دو فصل (خواجه در این کتاب کوشیده با بیان حقایق، فقیهان و قاضیان را به تساهل در برابر مخالفان وادارد)؛

۳. سلطانیه، شامل اصول و شرح آن؛

۴. لطایف که شامل یک مقدمه و چهارده رساله است و به مجموع این چهار اثر مجموعه رشیدی می گویند؛

۵. بیان الحقایق، مشتمل بر هفده رساله؛

۶. آثار و احیاء در بیست و چهار باب؛

۷. جامع التواریخ شامل تاریخ شعب و انساب و صور اقالیم و در چهار بخش تاریخ ترک و مغول، تاریخ غازان خانی، شعب انبیا و ملوک و خلفاء، حدود هفت اقلیم؛

۸. قنکسوق نامه، شامل چهار کتاب طب چینی و کارهای عملی آن، داروهای چینی، داروهای مغولی، سیاست و حکومت چینیان؛

۹. وقف نامه ربع رشیدی که درباره ربع و املاک و مستقلات آن است؛

۱۰. مکاتیب یا سوانح الافکار، شامل مجموعه نامه های خواجه به بستگان و گماردگان و شرح آن است؛

۱۱. اسأله و اجوبه یا الفوائد الرشیدی که معرفی و مختصری از کتاب مجموعه رشیدی است.

همچنین خواجه به کارهای کشاورزی هم توجه فراوان داشت و کتاب الازکار و الاحیار را در هواشناسی، گیاه شناسی،

عظیمی در شنب غازان تبریز بود که شامل مدرسه، خانقاه، دیوان حقوقی، کتابخانه، بیمارستان و رصدخانه می شد.

البته همه این کارهای فرهنگی و تمدنی ارزنده در دوره وزارت رشیدالدین فضل الله و با مشورت و همفکری این دانشمند و پزشک بزرگ بوده است. در جامع التواریخ رشیدالدین فهرستی از بودجه هر یک از این سازمان ها آورده شد و در جای دیگر این کتاب آمده که بیمارستان، رصدخانه و کتابخانه یک جا بوده است.

نقل شده است که غازان خان به کرات به رصدخانه مراجعه می رفت و شرح ابزارهای آن را می پرسید و از چگونگی آن تفحص می کرد. سپس دستور داد شبیه رصدخانه مراجعه رصدخانه ای بسازند و گنبدی برای آن نیز ساختند. هدف اهلخان از ساختن رصدخانه اصلاح تقویم بوده است، چنان که وی در سال ۷۰۱ ق تاریخ غازانی را مرسوم و معمول کرد.

#### مقام علمی و رشیدالدین فضل الله

رشیدالدین همچنان که در وزارت مردی توانا و با تدبیری بود در قلمرو علم و ادب نیز جایگاهی والا دارد. با وجود آنکه اکثر وقت او را کار دیوانی پر می کرد، از به تتبع و مطالعه دور نبود؛ به گونه ای که وی در بسیاری از علوم و فنون شناختی وسیع و دقیق داشت و مؤلفان عظمت او را به عنوان متبحرترین و پرکارترین دانشمند می شناسند. او علاوه بر طب که مایه ارتقای وی در دربار بود با کشاورزی و مهندسی و فلسفه و ماوراء الطبیعه و الهیات نیز آشنایی داشت و با زبان فارسی، عربی، مغولی و ترکی، عبری و احتمالاً چینی آشنا بود. مقام علمی او از جنبه های زیر درخور توجه است:

۱. توجه به اهل علم و تشویق آنها؛

۲. سهمی که در اشاعه علوم چینی داشت؛

۳. کتاب هایی که در علوم به خصوص در طب تألیف کرد؛

۴. تألیفات متنوع در تاریخ؛

۵. تحقیق و تألیفات در فلسفه و کلام و ادیان.

پرورش زنبور عسل، دفع آفات و دامپروری نوشت.

از مجموع آثار و تألیفات خواجه رشیدالدین فضل الله آنچه که بیش از همه سبب شهرت و اعتبار وی شد و محققان شرق و غرب آن را از ارزنده ترین و نفیس ترین کتب تاریخی می دانند، کتاب جامع التواریخ است که خواجه آن را به دستور غازان خان نوشت و کوشید آگاهی های تاریخی و جغرافیای درستی از همه سرزمین های شناخته شده آن روز فراهم آورد. این کتاب در چهار جلد صورت یافته است:

جلد اول: مقدمه و فصول و شرح ظهور اقوام ترک و تعداد قبایل آنان؛

جلد دوم: تاریخ پادشاه اسلام؛

جلد سوم: شرح و تفصیل شعب انبیا و ملوک و قبایل عرب از آدم تا دوره خلفای بنی عباس و اجداد چنگیزخان و پیامبران بنی اسرائیل؛

جلد چهارم: شرح و تفصیل هفت اقلیم و ولایات و ممالک عالم و شرح رودها و کوه های مشهور. تألیف این اثر عظیم به درخواست الحایتی بود و در سال ۷۱۰ق به اتمام رسید.

#### کتابخانه ربیع رشیدی

کار بزرگ رشیدالدین که راهنمای آبادگری های پس از آن شد ساختن ربیع رشیدی بود که در واقع یکی از بزرگ ترین تأسیسات روزگار کهن و شامل شهر کوچکی با مدرسه، مسجد، گرمابه، مهمان سرا، بیمارستان و کارگاه صنعتی و مجموعاً شامل یک رشته تأسیسات اقتصادی و فرهنگی و مسکونی بود.

او در کتاب لطائف الحقایق شرح گویایی در بیان شیوه و اندیشه خود در ایجاد بناهای خیریه و تحقیق درباره آنها آورده است. علاقه رشیدالدین به کارهای عام المنفعه چنان است که حتی در وصیت خود به فرزندان و حاکمان آنان را به ایجاد شبکه های آبیاری و احداث نهرها و... تشویق و سفارش می کند. مهم ترین کار ساختمانی رشیدالدین و عظیم ترین بنای خیریه رشید به قول حمد مستوفی، شهرکی در شمال شرقی تبریز و در دامنه کوه ولیان می باشد که اکنون به «سرخاب» معروف است. رشیدالدین عمارت های بسیار و عالی در آن ساخت و بعد از او پسرش، وزیر غیاث الدین نیز بر آن بناها افزود. این شهرک به نام بنیانگذارش به «ربیع رشیدی» نامیده شد و در واقع دانشگاه و مرکز علمی و فرهنگی بود که از آن میان کتابخانه، مدرسه و بیمارستانش درخور توجه بود.

رشیدالدین در نامه ای به پسرش این تأسیسات را این گونه توصیف می کند: «در این مجموعه، ۲۴ کاروان سرائی رفیع و ۱۵۰۰ حجره و ۳۰۰۰۰ خانه و حمام و بساطین با صفا و کارگاه ها و کارخانه های متعدد از جمله کارخانه کاغذسازی در آن ساخته شد و هر جا که هنرمند و پادانشمند و یا صاحب فنی بود در آنجا گرد هم آمدند و در آن زندگی می کنند. در این شهرک، هزار طالب علم مشتاق که هر یک در میدان دانش، صفدری و بر آسمان فضیلت، اختری اند در محله ای که آن را محله طلبه خوانند نشانندیم و مرسوم همه را بر منوالی که به جهت علما مقرر کرده بودیم به جهت ایشان معین گردانیدیم و شش هزار نفر طالب علم که از ممالک اسلام به امید تربیت ما آمده بودند در دارالسلطنه تبریز ساکن گردانیدیم و فرمودیم که مقرری ایشان را از حاصل جزیره روم و قسطنطنیه کبری و جزیره هند اطلاق نمایند تا ایشان از سر رفاهت خاطر به استفاده مشغول گردند و معین داشتیم که هر طالب علم، پیش کدام مدرس تحصیل کند و دیدیم که ذهن هر طالب علمی، طالب کدام علم است و هر روز از این طلبه که در ربیع رشیدی و بلده تبریز ساکن اند همه به مدارس ما و فرزندان ما متردد باشند و پنجاه طیب حاذق از اقصی نقاط بلاد هند و مصر و چین و شام و دیگر ولایات آمده، به صنوف مخصوصی گردانیدیم که هر روز در دارالشفای ما تردد کنند و هر کدام ده طالب علم مستعد نصب کردیم تا به این فن شریف مشغول گردند».

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی تمام ثروت خود را برای ساختن کتابخانه، مدرسه و دارالشفای صرف کرد. ربیع که به معنای محله، خانه و سرائی، در واقع شهرکی بود که خواجه فضل الله آن را در کنار تبریز بنا کرد و برای آن مدرسه ای ساخت. کتابخانه این مدرسه، یکی از کتابخانه های عمومی بزرگ و معتبر ایران بوده است. کتابخانه ربیع رشیدی در دو طرف گنبدی مجلل که خواجه آن را برای آرامگاه خود ساخته بود قرار داشت و دلیل آن، این بود که وی می خواست حتی پس از مرگ در جوار کتاب و کتابخانه در خواب ابدی باشد.

یک باره نابود شد و حتی موقوفات آن نیز به دست زورمندان افتاد و امروز تنها در بعضی از قسمت ها، علامت دیوار و پایه طاق ها نمایان است. ساختمان شنب غازان تا سده یازدهم پا برجای بود و در جنگ ایران و عثمانی قسمت اعظم ساختمان آن نابود شد و امروز این عمارت به طور کلی ویران شده و با خاک یکسان است.

حاجی خلیفه کاتب چلبی که در سال ۱۰۴۵ ق همراه قشون عثمانی به تبریز آمده بود در کتاب جهان نما در عظمت این قبه و آبادی اطراف آن چنین نوشته است: «عمارت موسوم به شام غازان مثل قلمه غلطه اسلامبول از میان باغ های با صفا و انبوه اشجار از مسافتات بعید نمایان است. کثرت درختان به حدی بود که قشون عثمانی به علت سوق الجیشی و مهمات، چندین روز متوالی مشغول قطع آنها بودند، ولیکن عسری از اعشار آنجا را نتوانستند قطع کنند». بخشی دیگر از این بنا در زلزله ۱۱۹۴ ق ویران شد و قسمت های دیگر بنا به گفته نادر میرزا بر اثر انفجار باروت در جنگ ایران و روس نابود گردید.

منابع:

۱. مزینانی، علی: کتابخانه و کتابداری، سمت، تهران، ۱۳۸۱.
۲. همایونفرخ، رکن الدین: تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی، انتشارات سازمان کتابخانه های عمومی تهران، ۱۳۴۰.
۳. صدیقی افشار، غلامحسین: سرگذشت سازمان ها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران، وزارت علوم و آموزش عالی، تهران، ۱۳۵۰.
۴. رجب زاده، هاشم: خواجه رشیدالدین فضل الله، طرح نو، تهران، ۱۳۷۷.
۵. کسایی، نورالله: مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
۶. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسایی، انتشارات پردان، تهران، ۱۳۶۴.

این کتابخانه شامل دو کتابخانه مجزا بود و در دو طرف گنبد مجلل قرار داشت کتابخانه نخست، دارالقرآن بود و دارای هزار مجلد قرآن کریم از نسخه های مذهب و به خط خوشنویسان معروف در آن قرار داشت و تعداد دو بیست نفر از حافظان، عالمان، محدثان، فقیهان و طالبان علم که برای همه وجه معاش و مقرری معین شد زندگی می کردند و حالت مدرسه داشت. خواجه رشید در وصیت نامه خود که برای صدرالدین محمد ترکه فرستاد، درباره این هزار جلد قرآن نفیس و دیگر کتاب هایی که به کتابخانه وقف کرده بود چنین می نویسد: «قرآن به خط طلا چهار صد جلد، قرآن به خط باقوت حموی ده جلد، قرآن به خط ابن مقله هشت جلد، قرآن به خط سهروردی بیست جلد، قرآن به خط اکابر بیست جلد، قرآن هایی که به خط خوب نوشته اند در ۵۴۸ جلد و شصت هزار جلد کتاب در انواع علوم، تواریخ، اشعار، حکایات و امثال و غیره که از ممالک ایران، توران، مصر، روم و چین و هند جمع کرده ام همه را برای کتابخانه ریع وقف کرده ام».

مجموعه شصت هزار جلدی موجودی کتابخانه دوم بود. برای مخارج و اداره دارالشفاء، مدرسه و کتابخانه، بیست هزار سرخ نیز وقف کرده بود که مخارج خود را از آن تأمین کنند. برای حفظ و نگهداری کتاب ها، نسخه های فارسی و عربی از کتاب ها تهیه می کرد و به کلیه شهرهای ایران می فرستاد. از مجموع تألیفات خود فهرست کاملی تهیه کرده بود و به جامع تصنیف رشیدی شهرت داشت و جزو کتاب های کتابخانه بود.

سرانجام حاسدان و دسیسه کاران دست به دست هم دادند و با نقشه خیانت آمیز ابوسعید بهادرخان را اغوا کردند و خون آن دانشمند عالی مقام و فاضل را ریختند و کلیه اموال و دارایی ها و کتابخانه ریع را غارت کردند. پس از کشته شدن خواجه، پسرش غیاث الدین محمد بار دیگر آن را ترمیم و احیا کرد. ولی با کشته شدن پسر خواجه این آثار باشکوه و گرانبها